

## مسئولیت سازمانهای کارگری - حمایت مالی بنگاه های

### پروژه پرداز

مجید پهلوان

www.majidpahlavan.com

جهانی گرایی امپریالیستی با جذب و حل اقتصادهای پیرامونی در معده بزرگ انحصارات و تدوین و اجرای طرح گلوبال بنام اقتصاد لیبرال و نئومحافظه کار، تنها شامل ابعاد اقتصادی-سیاسی قضیه نمیشود. که سرمایه داری مرکزی در هر مقوله ای و تمامی زوایای اجتماعات چنگ انداخته و کلیه فعالیت های حتی فرهنگی-پژوهشی و... را تلاش دارد تادراستای اهداف و برنامه جهان شمول خود تحت سلطه و نفوذ درآورد. از آن جمله است، فعالیت های هنری، سیاسی، علمی، رسانه ای و حتی داوطلبانه موسسات مرکز و پیرامونی. از این سخن میتوان نتیجه گرفت که دنباله مادی و برنامه اجرایی این جهان شمولی و گلوبال میتواند در دستان موسسات عظیم جهانی ولی متحدالمرکز باشد. نام های این موسسات در محیط کارهای پژوهشی، علمی و... فعالیت دارند و بعضا وابسته به بخشی از فعالیت های سازمان ملل متحد هم هستند، بسیار است. از جمله گستره و شبکه جهانی بنیاد فورد، راکفلر و شورای روابط خارجی و موسسات تابعه. ماحصل قضیه اینکه جهانی گرایی سلطه بازار در طرح نئولیبرال، کلیه فعالیت های علمی، پژوهشی، هنری و سیاسی جامعه مرکز را در چنگال خود نگهداشته و شاخک های خود را بسوی دنیای پیرامونی و پروژه های حتی مترقی و انسان دوستانه فعالین آنها گسترش میدهد! حمایت های مالی برای اجرای پروژه های اجتماعی و انسان دوستانه، هنری و بعضا سیاسی هم در این مقوله جای میگیرد.

\*\*\*\*\*

تدریجا و با گذشت زمان، هویت و ماهیت بخشی از جنبش موسوم به اپوزیسیون واقع بین، زیر عدسی نگاه حقیقت یاب میروند. بخشی از فعالین شناخته شده و یا کمتر نام آشنا که از "امدادهای غیبی" موسسات بین المللی استفاده میکنند و به پروژه کاران یا پروژه بگیران معروف شده اند. منظور تلاش گران حوزه های اجتماعی و طبعا سیاسی است که تازگی ها پی برده اند در دنیای پیشرفته اروپا و امریکای شمالی، موسساتی خیلی هم خوش نام و اغلب وابسته به یکی از موسسات جنبی بنیادهای معروف یا که فکرانبارهای صاحب قدرت و پول نجومی، وجود دارند که برای پیش برد اهداف خود، خوش دارند که به طرح ها و حرکات و فعالیت های آنها توجه کرده و هزینه پردازی کنند. چنین است سرنوشت برخی از ایرانیان که شبانه روز در پی تجدید عقد مودت خود با اینگونه سازمانها و مراکز هزینه پرداز هستند. که آنها حمایت مالی از کلیه طرح های اجتماعی-سیاسی، اقتصادی و هنری دنیای جنوب و جنوبیان آواره در شمال را برعهده دارند.

\*\*\*\*\*

پروژه بگیرها میدانند که دیرآمده اند و زندگی در غرب برای آنها اکنون و پس از سپری نمودن دو، سه دهه آواره گی و سرگردانی، بدون مطرح ماندن نام کوچکشان چندان هم دلگرم کننده نیست. از این روی به دنیای پروژه کاری وارد شده اند ولی من معتقدم که هر پدیده را قبل از غلغلی افتادن در آن، نیکوتر آنکه گذشته اش را دیده و خواننده، آنگاه آگاهی یابیم، سپس اگر به صلاح

بود، چک های کوفتی آنها را قبول کنیم. بیابید سری به مثلا موسسه "مرکز مطالعات دموکراتیک" وابسته و نوچه بنیاد فورد بزنیم که قبلا بانام "صندوق برای جمهوری" به میدان آمده بود. طرفه اینکه در سال ۱۹۵۲ میلادی و با پایان جنگ جهانی دوم و گسترش اردوگاه شرق و حمله آنان به شرق اروپا و ترغیب جنوبی های آسیا و افریقا و امریکای جنوبی و مرکزی، بنیاد فورد، بطور جدی درصدد خنثی نمودن نفوذ مسکو بر آن دیاران برآمد. ناگهان و برای مثال، بخش اعظم هنرمندان و فیلم سازان تاکنش گران و فعالین جنبش های اجتماعی و بی خانمانان هندوستان و باضافه اساتید دانشگاه ها و فعالین کارگری تحت پوشش پول های مراکز مطالعاتی امریکا توبخوان، موسسات جانبی بنیادهای فورد و راکفلر درآمدند. بورس های متعدد و به تعداد هزاران نصیب هنرمندان و فعالین جنبش مردمی شد! آنچه که روند هنری-سیاسی و اجتماعی در هندوستان بود، به ناگاه و پس از چندسال، بود و نبودشان و هستی و نیستی سیاسی آنها وابسته شد به "امدادهای غیبی" صادره از بنیادهای چون فورد و برادران! اینگونه بود که حاصل جنبش های اجتماعی هر بار، دست عوض کردن بین مرتجع ترین شکل بندی های سیاسی شد و هندوستان اگر چه از کمند اتحاد شوروی دور میشد ولی زیر یوغ نادیده چنینی سیاستی، به عمق عقب ماندگی خود ادامه داد.

\*\*\*\*\*

پروژه کاری ابتدا به مذاق نو رسیدگان ایرانی تبار و در درون مرز و برون مرزهای میهن خوش میآید. عده ای هستند که انجام و پایان کار مفید و انسان دوستانه خود را در سایه قبول پول و حمایت این بنگاه ها انجام میدهند، ولی باید آگاه بود که این یک روند و یک ترند است و نه یک حادثه و اقدام مجرد و خارج از برنامه دشمنان زحمتکش ایران. میدانیم که در دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی قرن بیستم، موجی از هنرمندان و تلاش گران اجتماعی و سیاسی در دنیای جنوب به عرصه آمدند تا سری در سرها پیدا کنند. هنرمندان، روزنامه نگاران و درکل فعالین دل سوخته و از بطن مردم که سودای آزادی و پیشرفت کشور خود را داشتند ولی قربانی اقدامات دوجانبه جنگ سردی واقع شدند. عده ای که سر از اردوگاه سرباز خانه ای شرق و مسکو درآوردند ولی زیر چرخ های زنگ زده و عقب ماندگی سیاست های یک اردوگاه سرباز خانه ای بواقع هلاک شدند. لیکن در نقطه مقابل هم بودند استعداد های نابی که از بطن اجتماع جنوب و مجاورت و نفس گرم مردم خارج شدند تا در تاروپود ناپیدا و لایبرنت نواله ای ناگزیر زندگی کرده و در غرب هم جایی برای خود شدن نیابند! هستند و بودند کنش گران عرصه های گوناگون و فعالین سیاسی که فریب در باغ سبز اینگونه بنگاه ها را خورده و جنبش و کنش هنری و اجتماعی خود را در جهت امیال و اهداف و زمینه چینی های بودجه دهندگان گذاروند و عاقبت در پشیمانی و ناکامی بکار خود پایان دادند که حلاوت و شیرینی حمایت مردم زحمتکش را نمیتوان بخود جلب نمود و درعین حال جیره خور بساط جهان گردانان پرسابقه و بنگاه های امپراطوری سرمایه ماند! (تحت عنوان فرصت های علمی و دانشگاهی-پژوهشی!!).

\*\*\*\*\*

سرمایه داری در اروپا و امریکای شمالی در ابتدا، بشریت را از جهنم عقب ماندگی، بیماریهای واگیر، کشتار مستمر مذهبی و جنگ های خوانین نجات داد. که بنگاه های سرمایه داری چون همین بنگاه فورد و بنگاه کارنگی (Carnegie) بودند که در ایالات متحده امریکا بانی و موسس هزاران مدرسه، کتابخانه، بیمارستان، راه های ارتباطی، دانشگاه ها، نمایشگاه ها و سالن های اپرا و باله و موسیقی بودند. که اندروکارنگی اسکاتلندی تبار است که امپراطوری تجدد را بنا مینهند و به همراه فورد و راکفلر هستند که ایده و حمایت مالی ساختن سازمان ملل متحد را به پیش میبرند (راکفلر حتی پول خرید زمین سازمان ملل متحد در نیویورک را پرداخت). ولی همین موسسات و وارثین امپراطوری آنها از سال های

دهه ۲۰ میلادی قرن بیستم ، آنجا که سرمایه داری به جهانی گرایی و امپریالیسم رسیده ، عازم دنیای جنوب برای مواد خام و بازار و تهیه مصرف کننده ، میشوند. که سرمایه داری اگرچه در اروپا و آمریکا روی خون صدها هزار وامانده و خارج مانده از چرخه عزیمت اجتماع از زمین داری به سرمایه داری در هر کشور ساخته شد ولی چون به کشور گشایی و جهانی شدن افتاد ، همان بنگاه های به ظاهر خیریه ، سودمند و بانی صدها اقدام متمدنانه ، باتشکیل شوراهایی چون شورای روابط خارجی (در ایالات متحده آمریکا) و کمیسیون های سه جانبه و پنج جانبه ، نبض دنیا را در دست گرفتند. همان بنگاه ها هستند که تقریباً کلیه وزرای امور خارجه آمریکا (۲۲ وزیر خارجه) تا کنون را تعیین کرده اند و روسای بانک جهانی را منصوب میکنند. که سیاست های همین شورای روابط خارجی و بانک جهانی یعنی نوچه بنگاه های سرمایه داری نامبرده است که تلاش دارد تا مدیریت جنبش های اعتراضی و حتی مردمی جهان جنوب را تحت سلطه خود در آورد.

\*\*\*\*\*

استفاده از پروژه های آشکار و پنهان موسسات امپریالیستی همه گیر میشود ، همان موسساتی که اخوان المسلمین میبرد و می آورد! این موسسات جهانی قدرت خود را در میلیارد ها دلار بودجه و توان مالی خود می بینند و در این رهگذر چپ نیاز دارد تا در جهت رادیکالیزه شدن اقدام کند. که این پراکندگی و عکس العملی عمل زندگی کردن از تبعات همین بی عملی و دوری از طرح های رادیکال در جهت پیوند انترناسیونالی است. اکنون باید و میتوان در جهت همبستگی حتی ناحیه ای و ملی چپ اقدام کرد. هم گرایی بین نیروهای انقلابی را آغاز و دست رد به طرح های جهانی گرایی امپریالیستی زد. که چپ انقلابی در این زمینه مسئولیت راهنمایی به نیروهای جوان و آماده به خدمت را دارد. که پروژه های به ظاهر حتی انسان دوستانه آنها در جهت نفوذ است و سلطه و مدیریت.





















